

بسم الله الرحمن الرحيم

جواب به ادعای برادر نور "حامد"، علیه حزب التحرير



(ترجمه)

در یک مصاحبه ای که توسط شبکه خبری "المزهر السياسي" با آقای نور "حامد" صورت گرفته بود و به تاریخ ۱۰، ۱۱ و ۱۲ سپتمبر ۲۰۱۷م به نشر رسید، وی در مورد حزب التحرير و احیای دوباره خلافت راشده صحبت نموده و این حزب و احزاب اسلامی دیگر را به نحوی معرفی کرد که کاملاً از حقیقت دور بوده و این کار وی عدم فهم درست از حزب التحرير، افکار و مفاهیمش را نشان می دهد. از شما رسانه ها خرسند خواهیم بود تا جواب آن را به نشر بسپارید.

به نقل از گفته های برادر نور حامد: «احیای دوباره خلافت اسلامی توسط حزب التحرير، طالبان یا گروه بوکو حرام، تنها شعاری است که بر اساس عکس العمل در مقابل پیشرفت روز افزون غرب و اشغال نمودن سرزمین های اسلامی به وجود آمده است. افرادی که شعارهای احیای دوباره خلافت را سر می دهند، تنها احساسات دینی شان بر دانش و عقل شان غلبه کرده است تا به این نتیجه برسند. شعارهای حاکمیت اسلام و یا تأسیس خلافت، شعارهای مبهم اند که از احساسات مسلمانان نشأت کرده است، و اگر جنبه عملی نداشته باشد، هیچ مؤثر نخواهد بود.»

اگر عمیقاً دیده شود، برادر نور خود را برای حاملین اسلام و شباب خلافت داور تعیین نموده است. وی با وجودی که نواقص و فساد نظام دموکراسی را می داند؛ اما باز هم این نظام را بدیل برای اسلام پیشنهاد کرده می گوید: «ما باید برای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی خود در مورد دموکراسی، طوری فکر کنیم که غرب دخالت در امور ما نداشته و خود را از افکار آن ها آزاد سازیم.»

نصیحت ما برای آن هایی که فریب دموکراسی را خورده اند و توسط غربی ها گیج شده اند، این است: چیزی که ما نیاز داریم، نظام دموکراسی بدون دخالت غرب نیست؛ بلکه ما به افکار و مفاهیمی نیاز داریم که مسلمانان را به کلی از تقلید فرهنگ و مفاهیم غربی نجات دهد که این تنها راه درست نجات از زهر کشنده ی آن ها است. در جواب به ادعای برادر نور باید گفت:

اولاً احیای خلافت اسلامی تنها شعار نیست که توسط حزب التحریر به صدا در آمده باشد؛ بلکه این فریضه ای است، از جانب الله سبحانه و تعالی. چنان چه الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَمْتَنَتُواكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ﴾

[مائده: ۴۹]

ترجمه: (به تو ای پیامبر صلی الله علیه وسلم، فرمان می دهیم به این که) در میان آنان طبق چیزی حکم کن که الله (سبحانه و تعالی) بر تو نازل کرده است، و از امیال و آرزوهای ایشان پیروی مکن، و از آنان برحذر باش که (با کذب، حق پوشی، خیانت و غرض ورزی) تو را از برخی چیزهایی که الله (سبحانه و تعالی) بر تو نازل کرده است، به دور و منحرف نکنند (و احکامی را پایمال هوی و هوس باطل خود نسازند)؛ پس اگر (از حکم الله سبحانه و تعالی روی گردان شدند و به قانون وی سبحانه و تعالی) پشت کردند، بدان که الله (سبحانه و تعالی) می خواهد به سبب پاره ای از گناهان شان، ایشان را دچار بلاء و مصیبت سازد (و به عذاب دنیوی، پیش از عذاب اخروی گرفتار کند). بی گمان بسیاری از مردم (از احکام شریعت) سرپیچی و تمرد می کنند (و از حدود قوانین الهی تخطی می نمایند).

این نقطه را نباید فراموش کرد که تطبیق آن چه الله سبحانه و تعالی امر نموده است، ممکن نیست؛ مگر توسط نظام خلافت. درین مورد پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین فرموده است:

«كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسْوِسُهُمُ الْآنبيَاءُ، كُلَّمَا هَلَكَ نَبِيٌّ خَلَفَهُ نَبِيٌّ، وَإِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَسَتَكُونُ خُلَفَاءُ فَتَكْفُرُ، قَالُوا: فَمَا تَأْمُرُنَا؟ قَالَ: فُؤَا بِيَعَةَ الْأَوَّلِ، فَالْأَوَّلِ، وَأَعْطُوهُمْ حَقَّهُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ سَأَلَهُمْ عَمَّا اسْتَرَعَاهُمْ»

(رواه مسلم)

ترجمه: بنی اسرائیل را پیامبران رهبری می کردند، و هر گاه پیامبری وفات می کرد، به جای وی پیامبر دیگری جانشین می شد؛ ولی بعد از من دیگر پیامبری نخواهد بود، بلکه خلفاء می باشند و تعدادشان بسیار زیاد می شود، گفتند: پس در آن حال به ما چی فرمان می دهی؟ گفت: با بیعت نخست، سپس نخست وفات کند، حق آنان را ادا نمایید و الله (سبحانه و تعالی) از آنان در باره آن چه ایشان را بر آن گماشته پرسیان خواهد کرد.

«مَنْ خَلَعَ يَدًا مِنْ طَاعَةٍ، لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا حُجَّةَ لَهُ، وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ، مَاتَ مِيتَةً»

(رواه مسلم)

ترجمه: کسی که از اطاعت با خلیفه دست کشید، در روز قیامت در حالی با الله (سبحانه و تعالی) رو برو می شود که دلیلی ندارد، و هر که در حالتی بمیرد که بیعت با امام یا خلیفه در ذمه ی وی نباشد، به مرگ جاهلیت مرده است.

هم چنان الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾

[بقره: ۳۰]

ترجمه: من در روی زمین، جانشینی (نماینده ای) قرار خواهم داد.

امام قرطبی رحمه الله در این مورد می گوید که این آیه دلیل وجوب نصب خلیفه در روی زمین است که از وی شنیده شده، اطاعت شود و از دستورات وی پیروی گردد. هیچ اختلاف در نصب خلیفه میان مسلمانان و امامان وجود ندارد.

ثانیاً پیشرفت غرب، پیشرفت کامل در همه بخش ها نیست؛ بلکه برعکس به غیر از روش زنده گی حیوانیت، بد اخلاقی و پست فکری چیزی دیگر برای بشریت به ارمغان نیاورده است. این که اساس پیشرفت غرب نتیجه ی علم و تکنالوژی است، شما را نفریبید؛ چون این دو عنصر با ایدیولوژیی که غرب حامل آن است، هیچ مؤثریت نداشته و تا امروز پیروان خود را نیز اقناع نساخته است. چنان چه در عصر ابرقدرتی روسیه، این کشور با وجود پیشرفت علمی و تکنالوژیکی که داشت، از هم پاشید و نتوانست مشکل بشریت و پیروان خود را به شکل درستش حل کند.

گرچه نظام کمونیستی روسیه با نظام سرمایه داری غرب متفاوت بوده و در تضاد می باشد، با آن هم این نظام مانند نظام سرمایه داری یک ریشه ای در پیدایش خود از بشر دارد که نتوانست جهان را رهبری نماید. هم چنان کشور چین و دیگر کشورهای حامی کمونیزم نیز به همین تجربه مواجه شدند. هدف ما این است، تنها چیزی که امت مسلمه در سطح جهان ندارد، قدرت تصمیم گیری سیاسی

است که بدبختانه حاکمان مسلمان منحصراً ابزار برای منفعت غربی‌ها استعمال شده تا مواد طبیعی سرزمین‌های اسلامی را به شمول سرمایه‌فکری مسلمانان غارت نمایند.

امروز از نبود یک دولت منسجم و حافظ امت اسلامی، هزاران دانشمند مسلمان به غرب پناه برده، دانش و علم خود را برای حفظ و تقویت اروپا و آمریکا صرف می‌نمایند؛ اما اگر امت مسلمه یک بار رجوع به عقیده خود کنند و آن را اساس در زنده‌گی و در تصامیم سیاسی خویش قرار دهد، بزودی ابرقدرت جهان خواهد شد که در آن صورت، نه تنها این که از حیث علم و تخنیک پیشرفت خواهد کرد؛ بلکه با افکار ناب‌اش تمام بشریت را از شیوه‌ی زنده‌گی حیوانیت که نامش را زنده‌گی عصری و مدرن گذاشته‌اند، نجات خواهد داد.

ثالثاً؛ شعار برای احیای دوباره خلافت راشده بر منهج پیامبر صلی الله علیه وسلم، روش خیالی نیست که برادر نور ادعای آن را می‌کند؛ بلکه این کار بر اساس فرمان محکم الله سبحانه و تعالی که خالق همه کاینات و بشریت است، اجراء می‌گردد. وی سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

[حجر: ۹]

ترجمه: ما قرآن را نازل کردیم و ما به طور قطع نگهدار آنیم.

در حقیقت اگر سیرت پیامبر صلی الله علیه وسلم را مطالعه کنیم، در خواهیم یافت که وی صلی الله علیه وسلم در زنده‌گی عملی‌اش طریقه‌ی تأسیس دولت را نشان داده است، در ضمن توسط خلفاء، این طریقه پیروی و عملی‌گردیده است و الله سبحانه و تعالی ضامن حفظ این شیوه نیز گردیده است. الله سبحانه و تعالی در هر زمان پیامبران خود را برای هدایت بشر فرستاده است تا آن‌ها را از قیامت و مژده بهشت که پهنای آن مانند زمین و آسمان‌هاست، بدهد. هرکس که این را درک کرد و خود را تغییر داد، کامیاب است و هر کس که خواست جاهل و نادان بماند، این راه را خودش انتخاب کرده است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾

[مائده: ۳]

ترجمه: امروز (احکام) دین شما را برای تان کامل کردم و (با عزت بخشیدن به شما و استوار داشتن گام های تان) نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آیین الله پسند برای شما برگزیدم.

﴿وَتَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾

[نحل: ۸۹]

ترجمه: و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

رابعاً؛ قسمی که از جریان صحبت های برادر نور معلوم می شود، وی در مورد حزب التحریر معلومات دقیق نداشته و واقعیت این حزب را به طور درست نمی فهمد. بنابر آن، وی بالای این حزب اتهام بسته و فرموده است که این حزب فاقد بینش علمی و دقیق است. در واقع انسان دشمن چیزی است که در باره اش نمی داند. حزب التحریر حرکتی است که واقعیت این امت را به طور دقیق و واضح مطالعه نموده و اسلام را به شکل سیاسی آن شناخته و سپس تصمیم گرفته است که چگونه تغییرات اساسی را مبنی بر عقیده اسلامی در جهان بیاورد. این حزب برای آگاهی عامه کتاب های مختلف را در عرصه های نظام دولت داری، اقتصاد، سیاست داخلی، سیاست خارجی و سایر بخش ها، تألیف نموده است و اعضای این حزب در راستای برپایی خلافت راشده شبانه روزی مصروف فعالیت های خویش به شکل خستگی ناپذیر هستند.

در پایان نصیحت ما برای برادر نور این است که اصطلاح حکومت محض دینی که منشأ غربی دارد و آن را تجربه نموده است، تولید از مفکوره های غرب بوده که در اسلام اصلاً جای ندارد. دولت اسلامی دولتی است که توسط مسلمانان برای تنظیم امور آن ها بر اساس شریعت اسلامی تطبیق گردیده و افراد حاکم جزء مسؤول رعیت، دیگر برتری بالای دیگران ندارد. پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«إِنَّمَا الدِّينُ النَّصِيحَةُ، إِنَّمَا الدِّينُ النَّصِيحَةُ» قِيلَ: لِمَنْ؟ قَالَ: «لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ»

(روا احمد)

ترجمه: دین نصیحت است، دین نصیحت است. اصحاب گفتند: برای کی؟ وی (صلی الله علیه وسلم) فرمودند: برای الله (سبحانه و تعالی)، پیامبرش (صلی الله علیه وسلم)، کتابش و رهبران مسلمان و رعیت آن ها.

در اخیر از برادر نور می خواهیم تا ما را ملاقات کرده و هر معلوماتی که نیاز دارد، مستقیماً از خود ما اخذ کند، نه از هر کس و ناکس، تا این که از حقیقت امر آگاه شود. ما از الله سبحانه و تعالی می خواهیم تا ما را هدایت فرموده و توفیق عملی نمودن آن چه را که می گوئیم، بدهد.

نویسنده: ابراهیم عثمان ابوخلیل  
سخنگوی رسمی حزب التحریر-ولایه سودان

۱۴ محرم ۱۴۳۹ھ.ق

۴ اکتوبر ۲۰۱۷م